

Neutralization of sanctions and new placement of Iran's economy in the international arena as a new road map of economic diplomacy of the Islamic Republic of Iran

Milad TorabiFard

Master's degree in Islamic studies and economics, Imam Sadiq University, Tehran, iran; Research fellow in the international economics department of the Majlis Research Center. (Mstorabifard91@gmail.com)

Mehdi Razmahang

PhD in Economics, Tehran University, Tehran, iran; Director of International Economics Department of Majlis Research Center. (mehdi.razm@gmail.com, razmahang@ut.ac.ir)

Farzan Ghasemi

Master's degree in Islamic studies and economics, Imam Sadiq University, Tehran, iran.
(Farzan75ghasemi93@gmail.com)

Abstract

The current study intends to examine the phenomenon of sanctions and its sustainability from an alternative perspective and based on that, explain the new road map of Iran's economic diplomacy. The question of the current research is whether the is solely due to the conflict between Iran and the Western bloc or whether we should include another factor in the issue of the permanence of the sanction in our analysis. To answer this question, a descriptive-analytical method has been used and three results have been obtained as follows, and these results are considered to be the contribution to the current research: a. The possibility of sanctioning Iran was created in 2012 because the strategic relationship between Iran and the West in the oil case (oil exports to the Western bloc and imports of development materials) was disturbed. b. The sanction is basically a geo-economic issue and a manifestation of the conflict between geopolitical spheres; It is a strategic mistake to consider the sanctions as a result of the conflict between Iran and the america. c. Iran's geography is an important factor in the sustainability of the sanctions due to its location at the critical point of the formation of the new world order. Based on the above results, the exact answer to the saction is "exiting the oil life and new placement in the international arena". In this new multi-dimensional approach, the challenges imposed on Iran by sanctions are now being resolved under multiple cases.

Key words: *Sanctions, new placement, Iran, United States, economic diplomacy*

JEL classification: *F02, F51, F53, O53, Q34.*

خنثی‌سازی تحریم و جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل به مثابه نقشه راه جدید دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران^۱

میلاذ ترابی فرد

کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران؛ کارشناس گروه اقتصاد بین‌الملل مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی. (Mstorabifard91@gmail.com)

مهدی رزم‌آهنگ

نویسنده مسئول، دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ مدیر گروه اقتصاد بین‌الملل مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
(razmahang@ut.ac.ir, mehdi.razm@gmail.com)

فرزان قاسمی

کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

(Farzan75ghasemi93@gmail.com)

چکیده

پژوهش حاضر در نظر دارد پدیده تحریم و ماندگاری آن را از منظری بدیل مورد بررسی قرار داده و بر اساس آن، نقشه راه جدید دیپلماسی اقتصادی ایران را تبیین کند. سؤال پژوهش حاضر آن است که آیا تحریم صرفاً ناشی از مناقشه میان ایران و بلوک غرب است یا اینکه باید عامل دیگری را در موضوع ماندگاری تحریم در تحلیل‌های خود وارد کنیم. برای پاسخ به این پرسش، روش توصیفی-تحلیلی به کار گرفته شده و سه نتیجه به شرح زیر حاصل شده است که این نتایج در حقیقت نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شوند: الف. امکان تحریم ایران از سال ۲۰۱۲ از آن جهت ایجاد شد که رابطه راهبردی ایران و غرب در پرونده نفت (صادرات نفت به بلوک غرب و واردات لوازم توسعه) مخدوش شد. ب. تحریم اساساً امری ژئواکونومیک و نمودی از تعارض میان حوزه‌های ژئوپلیتیک است؛ خطای راهبردی آن است که تحریم را صرفاً ناشی از مناقشه میان ایران و بلوک غرب بدانیم. ج. موقعیت جغرافیایی ایران در ماندگاری تحریم‌ها امری مؤثر است؛ جغرافیای ایران به دلیل قرارگیری در نقطه گرانیگاهی شکل‌گیری نظم نوین جهانی عاملی مهم در ماندگاری تحریم است. بر اساس نتایج فوق، پاسخ دقیق به تحریم عبارت است از «خروج از زیست نفتی و جانمایی جدید کشور در عرصه بین‌الملل». در این رویکرد جدید چندبعدی، چالش‌هایی که به واسطه تحریم بر ایران بار شده‌اند اکنون ذیل پرونده‌های متعدد (ابتکارهای مبتنی بر جغرافیای سیاسی) مورد حل و فصل قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: تحریم، جانمایی جدید، ایران، ایالات متحده آمریکا، دیپلماسی اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: F02, F51, F53, F54, O53, Q34

^۱ این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/ (http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/ CC BY-NC-ND) است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷؛ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

مقدمه

تحریم پدیده‌ای است که از سال ۱۳۸۹ به صورت جدی بر اقتصاد ایران سایه انداخت؛ از آن زمان تاکنون همواره در میان سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و مدیران ارشد کشور رویکردهای متفاوت و بعضاً متضادی در نسبت با این پدیده اتخاذ شده است؛ در یک دسته‌بندی کلی، گروهی معتقدند تنها از طریق رفع حقوقی تحریم می‌توان نقطه پایانی بر چالش‌های برون‌مرزی اقتصاد ایران گذاشت؛ در نقطه مقابل، گروهی بر این باورند که تحریم، بیش از آنکه نتیجه مناقشه سیاسی بین ایران و آمریکا باشد نمود تحول زیربنایی در نظم ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک مرتبط با ایران است؛ مستغنی شدن آمریکا و کشورهای تحت ائتلاف آن کشور نسبت به نفت ایران، زمینه و امکان تحریم گسترده ایران فراهم کرد. همچنین این دیدگاه معتقد است که تا زمانی که اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران احیا نشود تداوم تحریم و به تبع، انقباض در شاخص‌های کلان اقتصاد ایران امری ناگزیر خواهد بود.

از طرف دیگر، رویدادهای امروز جهان نظیر جنگ تجاری بین آمریکا و چین، دورخیز چین به سمت تصاحب جایگاه برتر در اقتصاد جهانی، جنگ روسیه و اوکراین و تأثیر اساسی آن بر زنجیره‌های ارزش کالاهای اساسی، تنش میان تایوان و چین، تمرکز آمریکا بر سیاست مهار چین و ... همگی نشان از آن دارد که نظم

سابق جهانی در حال تغییر است. مقام معظم رهبری نیز در رابطه با این موضوع بیان داشته‌اند: «رویدادهای سیاسی و نظامی در این روزها، تشکیل‌دهنده بخشی از همان پیچ تاریخی جهان است که گمان آن رفته بود؛ نخبگان و زبندگان ملت ما در این مرحله حامل مسئولیت‌های ویژه‌اند.»^۱ این تنها برآورد ایشان از اوضاع و اتفاقات جهان نیست بلکه برآورد دشمنان ملت ایران نیز هست به نحوی که جو بایدن رئیس‌جمهور ایالات‌متحده در اجلاس‌یه امنیتی کواد در توکیو اذعان داشت که اتفاقات ده سال آتی، نظم جهانی را تا حداقل یک قرن آینده شکل خواهد داد.^۲

مفاد فوق نشان از آن دارد که در شرایط حاضر، جمهوری اسلامی ایران اولاً برای پاسخ به پدیده تحریم و ثانیاً برای احیا جایگاه خود در عرصه جهانی باید کنش بین‌المللی خود را با هوشمندی و بر اساس یک اولویت‌بندی برنامه‌ریزی شده طراحی کند. مسئله پژوهش حاضر ارائه منطق زیربنایی برای کنش جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی است. به‌طور خلاصه، پژوهش حاضر به این نتیجه رسیده است که پاسخ به پدیده تحریم و به‌علاوه، اقتضای فعلی اقتصاد ایران در نسبت با فرامرز عبارت است از «جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل». اهمیت موضوع پژوهش حاضر به آن جهت است که نظام برنامه‌ریزی کشور در آستانه تدوین و تصویب قانون برنامه هفتم توسعه قرار دارد لذا ضروری است در این قانون، جهت‌گیری راهبردی سیاست خارجی و ابتکار اقتصادی کشور در نسبت با عرصه بین‌الملل مشخص شود؛ نوآوری پژوهش حاضر، معرفی فهمی بدیل از پدیده تحریم و بر اساس آن، ارائه نقشه راه جدید دیپلماسی اقتصادی کشور است.

۱ پیام رهبر انقلاب به نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، ۲۱ اسفند ۱۴۰۰

2 Remarks By President Biden At The Second In-Person Quad Leaders' Summit, US Embassy And Consulate In China, May 25, 2022

توالی مباحث پژوهش به این شرح است: پس از چکیده و مقدمه در بخش دوم، پیشینه پژوهش ارائه شده است؛ در بخش سوم، فهم بدیل از تحریم به عنوان مبنای نظری پژوهش مورد بحث قرار گرفته و سپس در بخش چهارم، خروج از زیست نفتی و جانمایی جدید ایران در اقتصاد بین الملل به مثابه پاسخ دقیق به تحریم معرفی شده است. در بخش پنجم بیان شده است که اگر قرار باشد ایران نقشی جدید برای خود در عرصه بین الملل پیدا کند ابتدا لازم است مختصات تقابل و تعارض قدرت‌ها مورد فرا تحلیل قرار گرفته و دلالت‌های مرتبط با ایران استخراج شود. در بخش ششم پژوهش، مؤلفه‌ها و محورهای جانمایی جدید و بازتعریف نقش در اقتصاد جهان مورد بحث قرار گرفته و در بخش هفتم توضیح داده شده است که برنامه جدید دیپلماسی اقتصادی کشور باید واجد کدام جهت‌گیری راهبردی بوده و کلان‌پروژه‌های عملیاتی ذیل آنچه مواردی هستند؛ در نهایت نیز در بخش آخر، مفاد پژوهش جمع‌بندی شده و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

در ادبیات پژوهشی مرتبط با تحریم، تابه‌حال رویکردهای متفاوتی در موضوع خنثی‌سازی تحریم مورد بررسی قرار گرفته است که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود.

طغیانی و درخشان (۱۳۹۳)، ضمن برشمردن عوامل مهم تشدید اثر تحریم‌ها، با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی، به اولویت‌بندی راهکارهای مقابله با تحریم پرداخته‌اند؛ این راهکارها به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: ۱. کاهش وابستگی به تولیدات خارجی، ۲. کنترل تعاملات اقتصادی بین‌المللی، ۳. سیاست‌گذاری فعال، ۴. پیگیری رهیافت‌های اقتصاد مقاومتی، ۵. شناسایی موارد آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی

برای رفع آن‌ها، ۶. مدیریت افکار عمومی و ادراک مردم، ۷. کنترل کسری تراز پرداخت‌ها و متنوع‌سازی نظام ارزش کشور و ۸. حمایت از اقشار آسیب‌پذیر.

مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۳) بر این باورند جمهوری اسلامی ایران از این قابلیت برخوردار است که با عملیاتی کردن راهبردهای اقتصاد مقاومتی نظیر؛ طراحی و تدوین دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد در سیاست خارجی، کاهش وابستگی به نفت، استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و انتقال انرژی از خاک ایران، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ناشی از کاهش ارزش پول ملی در شرایط تحریم، اتخاذ سیاست منطقه‌گرایی فعال و گسترش روابط با دیگر کشورهای جهان، نه تنها اثرات تحریم‌ها را خنثی کند، بلکه از شرایط تحریم به‌عنوان فرصتی در راستای ارتقای امنیت و تأمین منافع ملی خود استفاده کند.

بیات (۱۳۹۶)، سه محور را مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیری از ناحیه تحریم معرفی کرده؛ این سه محور عبارت‌اند از: وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی، وابستگی به صادرات نفت و واردات مواد پتروشیمی؛ به‌زعم نویسنده کاهش وابستگی به موارد فوق، زمینه مقابله با تحریم را فراهم می‌آورد؛ در این زمینه نیز نویسنده، پیشنهادهایی به شرح زیر مطرح می‌کند: ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی و تخصیص بخشی از درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز به آن، تشویق سرمایه داخلی به سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی از طریق ابزارهای مالی و قانونی مانند معافیت‌های مالیاتی، گسترش صادرات غیرنفتی، کاهش تدریجی صادرات نفت و به‌موازات آن، کاهش نیاز و مصرف داخلی مواد پتروشیمی از طریق راه‌هایی مانند بهینه‌سازی مصرف سوخت.

جونقانی و همکاران (۱۴۰۰) ضمن بیان اهمیت تحریم نظام بانکی ایران و قطع

دسترسی کشور به سامانه سوئیفت، با استفاده از روش نخبگانی و تصمیم‌گیری چندمعیاره (AHP)، رتبه‌بندی راهکارها و معیارهای شناسایی شده مقابله با تحریم‌های بانکی را ارائه کرده‌اند. نتایج این پژوهش گویای آن است که از میان راهکارهای استخراج شده، راهکارهای پیمان پولی دوجانبه و سوآپ ارزی و پیوستن به سیستم مالی چین و روسیه در اولویت‌های برتر جهت جایگزینی سوئیفت هستند. احمدی و همکاران (۱۴۰۰) بر این اعتقادند که امروزه صنایع دانش‌بنیان می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی درآمذزای دیگر را جایگزین فروش نفت خام نمایند و اقتصاد تک‌محصولی و مبتنی بر درآمد نفت را متحول کرده و اقتصاد ایران را به سمت عدم وابستگی به نفت سوق دهند.

علی‌نژاد (۱۴۰۱) بر این باور است مقابله با احتکار، رشوه و فساد اقتصادی از مهم‌ترین سازوکارهایی است که به‌عنوان مؤلفه‌های اقتصاد سالم، در ایجاد بستر و سازوکارهای مقابله با تحریم‌های اقتصادی تأثیرگذار است. از منظر حقوقی نیز مبارزه با اخلال در نظم اقتصادی و پولشویی، نظارت بر فعالیت‌های مالی و اقتصادی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز باعث ایجاد اقتصاد سالم و رونق تولیدشده و لذا در مقابله با تحریم‌های اقتصادی نقشی مهمی دارد، زیرا هدف تحریم‌ها از بین بردن تولید است. به نظر می‌رسد نویسنده پژوهش، قائل به شایستگی رویکرد اصلاحات اقتصاد داخلی در مقابله با تحریم است.

۲. مبنای نظری پژوهش: فهمی بدیل از پدیده تحریم

در این قسمت تصویری بدیل از پدیده تحریم ارائه خواهد شد؛ در این تصویر، نقش عوامل مختلف اعم از پرونده هسته‌ای، نقش جغرافیای اقتصادی و جغرافیای سیاسی ایران در منطقه و فرا منطقه و هم‌چنین چرخش تمرکز آمریکا از غرب آسیا و حوزه

به اصطلاح تروریسم به سمت چین به‌عنوان قدرت اصلی متخاصم ایالات متحده مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲. عامل شروع تحریم گسترده علیه اقتصاد ایران

جمهوری اسلامی ایران اگرچه از ابتدای انقلاب هدف تحریم ایالات متحده آمریکا قرار گرفت اما مشخصاً از سال ۱۳۸۹، تحریم آمریکا علیه اقتصاد ایران شدت گرفت و این دوره را می‌توان موج اول تحریم‌های حداکثری آمریکا علیه ایران نام‌گذاری کرد. در ادامه توضیح خواهیم داد که کدام عوامل می‌توانند توضیح‌دهنده شروع تحریم گسترده اقتصاد ایران باشند.

ایالات متحده آمریکا از ابتدای قرن ۲۱ تمرکز سیاستی و امنیتی برون‌مرزی خود را بر موضوع مبارزه با به‌اصطلاح تروریسم معطوف کرده و این رویکرد در منطقه غرب آسیا در حمله به عراق و افغانستان نمود پیدا کرد. جنگ با تروریسم و مداخله در منطقه غرب آسیا هزینه نظامی سنگینی را در قالب هزینه جنگ ادامه‌دار خارجی به بودجه دفاعی آمریکا تحمیل نمود که در طول تاریخ آمریکا بی‌سابقه بوده است. بروز بحران مالی سال ۲۰۰۸ نیز نشان داد که این امکان وجود دارد که ایالات متحده از درون، دچار چالش‌های اقتصادی اساسی شود و اتفاقاً این چالش‌ها، سرریزهای قابل توجه به اقتصادهای متعامل با ایالات متحده داشت؛ بحران سال ۲۰۰۸ ضربه‌ای اساسی به اعتبار آمریکا وارد کرد و نقش پیشین این کشور را خدشه‌دار کرد؛ نقشی که متعاقب پایان جنگ سرد برای آمریکا تعریف شده بود و این کشور را متکفل رفع چالش‌های بین‌المللی معرفی می‌کرد.

در خلال سال‌های مورد بحث، چین و روسیه بر توانمندی خود افزودند؛ چین با پیمودن مسیر رشد اقتصادی و همچنین روسیه با افزایش توانمندی‌های خود در

حوزه نظامی، به چالش‌های جدی آمریکا تبدیل شدند. در همین شرایط بود که ایالات متحده آمریکا به تدریج نگاه استراتژیک خود را از منطقه غرب آسیا به سمت رقبای جدی‌تر یعنی چین و روسیه چرخاند. کوهن نشان داده که از سال ۲۰۰۶، مقامات ایالات متحده آمریکا، روند سرمایه‌گذاری چین را مورد رصد قرار داده و از همان زمان، پیش‌بینی کردند که در افق زمانی ۲۰۲۰، چین به تهدید اول و اصلی آمریکا تبدیل خواهد شد. (Cohen, 2018, P. 61) در آستانه سال ۲۰۰۷ آمریکا نسبت به حضور در منطقه غرب آسیا دچار تردیدهای جدی شد و هم‌زمان با خیزش چین در سال‌های پس از بحران مالی، سیاست حرکت به سمت شرق را برای مهار چین در پیش گرفت. لازمه چنین تغییر رویکردی، کاهش هزینه‌های عملیاتی در غرب آسیا بود؛ اما دلالت مشخص این کاهش تمرکز، ایجاد خلأ قدرت در منطقه غرب آسیا بود و این امکان وجود داشت که خلأ قدرت شکل گرفته توسط بازیگرانی مانند ایران که قدرت رقیب با آمریکا محسوب می‌شدند پر شود.

افزایش کنش ایران در حوزه هسته‌ای و افزایش توانمندی ایران در این حوزه، یک انگاره مهم در ذهن سیاست‌مداران آمریکایی ایجاد کرد؛ اینکه خلأ قدرت ایجاد شده در منطقه غرب آسیا نباید توسط ایران صاحب فناوری هسته‌ای پر شود؛ فناوری‌ای که به نوبه خود می‌تواند به عنوان یک عامل تغییردهنده بازی^۱ نقش آفرینی کند. در نتیجه ایالات متحده بر آن شد با تشدید تحریم‌ها از سال ۱۳۸۹، زمینه شکل‌گیری تنش‌های اقتصادی و در نتیجه، بروز چالش‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی را فراهم آورد؛ نارضایتی‌هایی که به زعم آمریکایی‌ها می‌توانست تهران را از پیگیری پیشبرد و تقویت فناوری هسته‌ای پشیمان کند؛ اما در گذر زمان، یک عامل مهم دیگر ایجاد

^۱ Game changer

شد که زمینه تحریم حداکثری اقتصاد ایران را فراهم کرد که از قضا همین عامل، متعاقب تحریم ایران منفعت اقتصادی نیز نصیب ایالات متحده آمریکا کرد. در ادامه توضیح بیشتری در مورد گزاره فوق ارائه خواهد شد.

۲-۲. عامل توجیه‌کننده تحریم حداکثری ایران؛ تحلیل هزینه-فایده

چه در دوران قبل از انقلاب چه پس از آن، نفت ایران جزئی از بازار جهانی نفت بوده است؛ مشخصاً در دوران پس از انقلاب نیز تا قبل از وضع تحریم حداکثری علیه صادرات نفت ایران و خاتمه یافتن مجوزهای موردی واردات نفت از ایران، کشورهای مندرج در ائتلاف بلوک غرب اعم از کره جنوبی، ژاپن، هند و تعدادی از کشورهای اروپایی، جزء واردکنندگان اصلی نفت از ایران بوده‌اند؛ دسترسی بلندمدت ایران به پترودولار در نتیجه صادرات نفت به کشورهای بلوک غرب و انباشت سپرده ارزی جهان‌روا برای ایران در بانک‌های اروپایی، زمینه مرتفع ساختن کلیه نیازهای فرامرزی ایران را فراهم می‌کرد و این موضوع همواره مخالف‌های جدی در فضای سیاست خارجی آمریکا داشته است. بروز تنش‌های جدی سیاسی میان ایران و آمریکا نیز قوام‌بخش ایده اخراج ایران از بازار جهانی نفت و قطع دسترسی به پترودولار بوده است اما همواره این ایده محل شک و تردید بوده است. با شدت گرفتن برنامه هسته‌ای ایران از سال ۱۳۸۵، گفتگوهایی در فضای سیاست داخلی آمریکا مبنی بر امکان یا عدم امکان قطع مهم‌ترین درآمد ارزی ایران (درآمد حاصل از صادرات نفت) شکل می‌گیرد. مشخصاً در آن سال‌ها، بخش قابل توجهی از سیاست‌مداران و تحلیل‌گران حوزه انرژی ایالات متحده آمریکا، بر این اعتقاد بودند که اخراج ایران از بازار جهانی انرژی غیرممکن است. (Schott, 2006, Lantos, 2007,)

در سال ۲۰۰۵، کنگره ایالات متحده آمریکا «قانون سیاست انرژی»^۱ را تصویب کرد؛ در سال ۲۰۰۷ نیز کنگره ایالات متحده آمریکا در راستای کاهش وابستگی این کشور به نفت، «قانون استقلال و امنیت انرژی»^۲ را به تصویب رساند. حرکت به سمت تعادل بخشی به تراز انرژی تا نقطه‌ای رسید که در سال ۲۰۱۴، واردات نفت خام و فرآورده‌های نفتی این کشور به کمتر از ۲۶۰ هزار بشکه در روز رسید که کمترین میزان در دو دهه قبل از آن بود. کاهش اتکا به نفت خارجی، هم نتیجه کاهش تقاضا و هم خروجی یک انقلاب انرژی داخلی در خاک آمریکا (انقلاب نفت شیل) بود؛ تولید محدود نفت آمریکا از کمتر از یک میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به بیش از چهار میلیون بشکه در روز تا دسامبر ۲۰۱۵ افزایش یافت که از تولید تک‌تک اعضای اوپک به‌جز عربستان سعودی بیشتر شد.^۳ متعادل شدن تراز انرژی ایالات متحده آمریکا و دور شدن از وضعیت اعتیاد به واردات نفت، دست این کشور را در اعمال اهداف سیاست خارجی خود بازتر کرد؛ دانیل یرگین^۴ (۱۴۰۰) انقلاب شیل را به‌عنوان عامل تغییر در جغرافیای سیاسی معرفی کرده و معتقد است پس‌از آن، آمریکا توانمندی بیشتری در پیگیری اهداف سیاست خارجی کسب کرد. (یرگین، ۱۴۰۰، ص. ۸۰)

تصمیم سیاسی ایالات متحده آمریکا مبنی بر تحریم اساسی صادرات نفت ایران و همچنین تحریم بانک مرکزی و نظام بانکی ایران در قانون NDAA 2012 این کشور نمود پیدا کرد؛ جفری اسکات تحلیلگر حوزه انرژی که در سال ۲۰۰۵ در جلسه

¹ Energy Policy Act

² Energy Independence and Security Act

³ Oil Dependence and U.S. Foreign Policy (1850 – 2022), Council on Foreign Relations.

⁴ Daniel yergin

استماع کنگره ایالات‌متحده بیان کرده بود گزینه تحریم گسترده علیه ایران در دسترس نیست در سال ۲۰۱۲، امکان‌پذیری تغییر در رویکرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران را بر پایه **تحولات بازار جهانی نفت** تحلیل می‌کند و بیان می‌کند اینک اجرایی‌سازی مفاد قانون NDAA 2012 و تحریم گسترده اقتصاد ایران از طریق دو اقدام امکان‌پذیر است: ۱. پوشش کمبودهای احتمالی بازار نفت توسط عربستان؛ ۲. آزاد کردن مازاد ذخایر استراتژیک آمریکا. (Schott, 2012) ورلگر نیز در گزارشی تحریم گسترده ایران را امکان‌پذیر می‌داند و معتقد است سایر کشورها قادرند خلأ ناشی از اخراج نفت ایران از مدار را پر کنند و همچنین آمریکا نیز به دلیل افزایش تولید نفت و در اختیار داشتن حجم قابل توجهی از ذخایر استراتژیک می‌تواند تنش احتمالی بازار نفت را مدیریت کند. (Verleger, 2012, p. 12)

یرگین نیز انقلاب شیل آمریکا (به‌عنوان عامل تغییردهنده جغرافیای سیاسی) را با موضوع تحریم ایران مرتبط می‌سازد و بیان می‌دارد: «در سال ۲۰۱۲، تحریم‌هایی علیه صادرات و دارایی نفت ایران اعمال شد. هدف این بود که ایران را مجبور به حضور بر سر میز مذاکره کنیم؛ اما مشخص نبود که این تحریم‌ها مؤثر است. پیش‌بینی شده بود کمبود در عرضه جهانی باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود و کشورهای واردکننده نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث فروپاشی تحریم‌ها می‌شود. مطمئناً این همان چیزی بود که تهران انتظار داشت زیرا با اطمینان، تحریم‌های جدید را محکوم به شکست اعلام کرد؛ اما افزایش تولید ایالات‌متحده، کاهش صادرات ایران را جبران کرد. تحریم‌های نفتی که با تحریم‌های مالی همراه بود و فشار اقتصادی بر ایران سرانجام به توافق ۲۰۱۵ منجر شد که برنامه هسته‌ای ایران را در ازای حذف تحریم‌ها محدود ساخت.» (یرگین، ۱۴۰۰، ص. ۸۲)

لذا می‌توان گفت توسعه فناوری استحصال نفت شیل در آمریکا که یک رویداد ژئوپلیتیکی مهم بود باعث شد این کشور در بلندمدت به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان تبدیل شود؛ در نتیجه، برنامه امنیت انرژی آمریکا که در تولید نفت شیل متبلور شده بود توجیه و زمینه لازم برای کاهش حضور ایران در بازار جهانی نفت را ایجاد نمود.

۲-۳. عامل ماندگاری تحریم؛ نحوه نقش‌آفرینی جغرافیای اقتصادی و سیاسی ایران در منطقه و فرا منطقه

تشدید تحریم آمریکا علیه ایران در سال‌های اخیر رفته‌رفته معنای ژئوپلیتیکی بیشتری به خود گرفته است؛ توضیح اینکه به موازات رشد اقتصادی چین و تلاش این کشور در جهت کنش فرامرزی در قالب ابتکار کمربند و جاده، استفاده آمریکا از ابزارهای مختلف در جهت مهار چین گسترده‌تر شده و خواهد شد؛ یکی از ابزارهای مهم آمریکا در این زمینه تحریم بوده است. اندیشکده رند^۱ در گزارشی تحت عنوان «بازگشت جنگ قدرت‌های بزرگ، سناریوهای درگیری نظام‌مند بین ایالات متحده و چین» بیان می‌دارد در سناریوی جنگ کم‌شدت، پیش‌بینی می‌شود تقابل بین آمریکا و چین در امتداد مسیرهای ابتکار کمربند و جاده یعنی مسیرهایی که چین به‌عنوان مبنای جغرافیایی قدرت بین‌المللی خود اولویت‌بندی کرده است رخ خواهد داد. این گزارش معتقد است درگیری بین چین و آمریکا را نه صرفاً یک نبرد یا جنگ واحد بلکه باید مجموعه‌ای از تقابلهای متوالی مرتبط و پراکنده پهن‌شده در گستره جغرافیا تلقی کرد؛ مصادیق این تقابل عبارت خواهند بود از مناقشات سایبری مداوم، تقابلهای اقتصادی و جنگ‌های متعارف نیابتی. (Heath

^۱ RAND Corporation

تقابل اقتصادی میان آمریکا و چین در مسیرهای جانمایی شده در ابتکار کمربند و جاده دلالت‌های مشخصی برای اقتصاد ایران خواهد داشت. یکی از محورهای مهم تقابل این دو کشور در مسیرهای فوق‌الذکر، رقابت برای دسترسی به منابع طبیعی و بازار است. بر اساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی آمریکا، تقاضای جهانی انرژی تا سال ۲۰۵۰، ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت که رهبری این افزایش تقاضا در دست آسیا خواهد بود.^۱ جستجوی منابع و تلاش برای تأمین امنیت انرژی، منجر به شکل‌گیری رقابت بر سر منابع خواهد شد که به‌نوبه خود منجر به بی‌ثباتی در مناطق مختلف، از قطب شمال تا خاورمیانه و از آمریکای جنوبی تا دریای چین جنوبی خواهد شد. تمایل چین برای اطمینان از تأمین منابع می‌تواند با درخواست‌های متحدان و شرکای ایالات متحده برای دسترسی به منابع مشابه در تضاد باشد. نتیجه می‌تواند منابع تنش و جنگ را تقویت کند که می‌تواند لایه دیگری از درگیری غیرقابل حل را به جنگ سیستمی ایالات متحده و چین اضافه کند. (ibid, pp. 12-16)

نگرانی چین در مورد چشم‌انداز امنیت انرژی خود باعث شده است به تدریج این کشور راهبرد کلی خود را برای تأمین امنیت انرژی در منطقه غرب آسیا مشخص‌تر کند؛ از این منظر، حضور ایالات متحده، کنترل ضعیف کریدورهای انرژی، مثلث منازعات و تنش‌های میان کشورهای منطقه و ایران و آمریکا و جهت‌گیری سیاسی کشورهای غرب آسیا را باید در پرونده معمای امنیت انرژی چین در منطقه مورد تحلیل قرار داد. (قربانی، ۱۴۰۰)

1 Ari Kahan, "EIA Projects Nearly 50% Increase in World Energy Usage by 2050, Led by Growth in Asia", Washington, D.C.: U.S. Energy Information Administration, September 24, 2019.

رئیس‌نژاد نیز معتقد است «گسترش و تثبیت راه ابریشم در دل خود جنگ و برخورد را به همراه دارد ... به همین دلیل هر کشوری که بخواهد استراتژی کلان خود را با راه ابریشم نوین تطبیق دهد زیر ضرب فشارهای آمریکا قرار خواهد گرفت. از این دریچه، تحریم دوباره ایران در دولت ترامپ را باید گامی بس مهم برای در نطفه خفه کردن راه ابریشم نوین و آغاز خشن بازی نوین در اوراسیا دید. بیرون آمدن از برجام و تحریم دوباره ایران و حتی جنگ داخلی سوریه را می‌توان سویه‌هایی از استراتژی مهار راه ابریشم نوین چین از سوی آمریکا دید.» (رئیس‌نژاد، ۱۴۰۱، ص. ۹۳ و ۱۵۰-۱۵۴) باتوجه به آنکه دو کشور آمریکا و چین، در مناطق مختلف جهان و در عرصه‌های گوناگون سیاسی، ژئوپلیتیک، اقتصادی و امنیتی با یکدیگر مواجه هستند و همچنین نظر به اینکه جغرافیای ایران در مسیر ابتکار کمربند و جاده چین واقع شده است لذا تقابل آمریکا و چین دلالت‌های مشخصی برای ایران خواهد داشت به طوری که حضور ایران در این مسیر، به‌عنوان عاملی موازنه‌ساز باعث سنگینی کفه تقابل به سود چین خواهد بود (گوهری مقدم و انصاری و بارده، ۱۴۰۰) و قطعاً این موضوع از چشم آمریکا دور نخواهد ماند.

بر اساس مطالب فوق می‌توان گفت که تحریم و تداوم آن، پدیده‌ای مبتنی بر جغرافیای اقتصادی و سیاسی بوده و دقیقاً در حوزه معاملات کلان کشورها معنا و مفهوم پیدا می‌کند و در سطحی بالاتر، در راستای شکل‌دهی به نظم اقتصادی جدید و مطلوب به کار بسته می‌شود. لذا پدیده تحریم را نباید صرفاً مناقشه بین ایران و آمریکا تلقی کرد. بر اساس تصویری که در بالا از تحریم ارائه شد در بخش آتی توضیح داده خواهد که پاسخ دقیق به پدیده تحریم چیست و چرا مسیرهای مرسوم خنثی‌سازی تحریم (که بخشی از آن‌ها در بخش پیشینه پژوهش معرفی شد) فاقد

و جاهت علمی و اتقان کارشناسی لازم هستند.

۳. خروج از زیست نفتی و جانمایی جدید ایران در اقتصاد بین‌الملل به‌مثابه پاسخ

دقیق به تحریم

تابه‌حال در فضای سیاست‌گذاری کشور، چهار مسیر خنثی‌سازی تحریم تجربه‌شده است؛ در ادامه به‌اختصار به توضیح این چهار برداشت پرداخته و توضیح داده می‌شود هر یک از آن‌ها چه نقص‌هایی دارند:

الف. رفع حقوقی تحریم و عادی‌سازی روابط اقتصادی: این رویکرد معتقد است صرفاً از طریق رفع حقوقی تحریم است که می‌توان نقطه پایانی بر چالش‌های اقتصادی ناشی از تحریم گذاشت؛ اما باید گفت که تصمیم و اراده سیاسی تحریم ایران مقدم بر ایجاد زیرساخت حقوقی آن بوده است؛ به‌عبارت‌دیگر ابتدا بر پایه تحولات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، اراده تحریم ایران در نظام سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرایی آمریکا شکل گرفته است و سپس این اراده در قوانین و دستورات اجرایی آن کشور نمود پیدا کرده است؛ تا زمانی که آن زیربنای سیاسی و اقتصادی تحریم وجود داشته باشد صرفاً با رفع حقوقی نمی‌توان چالش‌های ایجادشده در نتیجه تحریم را برطرف کرد و تعامل اقتصادی با شرکت‌های و بانک‌های مندرج در نظام مالی و تجاری متعارف را وارد مرحله عادی‌سازی کرد. نکته مهم آن است که حتی در صورت رفع حقوقی تحریم^۱ (که همین گزینه نیز به

۱ در ژانویه سال ۲۰۲۰ مرکز ارائه خدمت پژوهشی کنگره آمریکا گزارشی منتشر کرده و در آن، به‌تفصیل توضیح داده است که تعلیق و لغو قوانین تحریمی آمریکا علیه ایران، هر یک نیازمند طی‌شدن چه فرایندهایی در مجلس نمایندگان آمریکا و انجام چه اقداماتی توسط رئیس‌جمهور آمریکا است. (Rennack, 2020) نکته مهم آنکه شروط در نظر گرفته شده جهت لغو بندها و مواد مندرج در اسناد تحریمی آمریکا علیه ایران، آن‌چنان سخت‌گیرانه و چندوجهی (فراتر از موضوعات هسته‌ای و در بسیاری از موارد، هم‌پوشان با بحث‌های مرتبط با به‌اصطلاح مقابله با تروریسم، مقابله با نقض حقوق بشر و...) در نظر گرفته شده‌اند که تحقق آن شروط و به‌تبع، امکان لغو تحریم‌ها اساساً غیرممکن به نظر می‌رسد.

دلیل درهم‌تنیده شدن آگاهانه تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای^۱، به شدت دشوار شده است.) آمریکا و هم‌پیمانان آن کشور قادرند با استفاده از ابزار ریسک مانع از انتفاع اقتصاد ایران شوند.

ب. دور زدن تحریم و صدور مجوزهای موردی: «دور زدن تحریم» عبارتی بود که با آغاز موج اول تحریم‌ها مورد توجه قرار گرفت و دلالت بر مجموعه‌ای از اقدامات ضربتی و کوتاه‌مدت برای مقابله با تحریم می‌کرد. عدم در نظر گرفتن ماندگاری تحریم، نسبت حداقلی مجوزهای موردی با چالش‌های عدیده تحریمی اقتصاد ایران و همچنین تفاوت سطح دسترسی‌ها به مجوزهای موردی دلایلی هستند که رویه دور زدن تحریم را به پاسخی ناکافی و غیر بسنده به پدیده تحریم تبدیل می‌کنند. این رویکرد علاوه بر خدشه وارد کردن بر سرمایه اجتماعی، چالشی اساسی دیگری نیز دارد؛ اینکه اجازه می‌دهد ابزار کنترل رفتار ایران همچنان در اختیار دشمن باقی بماند؛ به عبارت دیگر، این رویه، اقتصاد ایران را از محدوده تحریم‌پذیری خارج

۱ دوبوویتز، رئیس بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (Foundation for Defense of Democracies) در این باره می‌نویسد: «ترامپ باید کاری کند که تمام امید یک دولت دمکرات برای احیای برجام از بین برود و وی باید دیواری از تحریم‌های اضافه با موضوعات مختلف را بنا کند و کاری کند که هیچ رئیس‌جمهوری بعد از او نتواند آن دیوار را به‌آسانی فرو بریزد. چنین اقداماتی نه فقط به بهانه فعالیت هسته‌ای ایران، بلکه باید برپایه سایر فعالیت‌های ایران از جمله حمایت از تروریسم، برنامه موشکی و موضوعات مرتبط با نقض حقوق بشر در ایران باشد. بنای چنین دیواری از تحریم‌ها، باید به‌گونه‌ای باشد که ترس و تردید مؤسسات مالی و شرکت‌های خارجی برای بازگشت به ایران، به شدت زیاد شود که حتی اگر توافقی محدود (مرتبط با موضوع هسته‌ای) در دولت بعدی آمریکا با ایران بسته شد، باز هم آنها به بازار ایران بازنگردند.» (Dubowitz et al., 2019, p. 4) همچنین برایان اوتوله کارشناس حوزه تحریم، مشاور رئیس و مدیر ارشد سابق دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا، تحریم‌های غیرهسته‌ای دوره ترامپ را تحت عنوان «قرص‌های سمی» نام‌گذاری کرده و معتقد است که رفع این تحریم‌های جدید، در فضای سیاست داخلی آمریکا بسیار دشوار بوده (منجر به سوء شهرت مقامات ذی‌ربط می‌شود) و پابرجا ماندن آنها باعث می‌شود که حتی در صورت بازگشت آمریکا به برجام و رفع تحریم‌های هسته‌ای، ایران نتواند از رفع تحریم‌ها، منتفع شده و عایدی اقتصاد به دست آورد. (O'Toole, 2021, pp. 4-6)

نمی‌کند.

ج. استفاده از ابزارهایی نظیر پیمان پولی، بانکداری فراساحلی و ... این راهکارها حداکثر ابزارهایی در خدمت راهبرد کلان مقابله با تحریم هستند و تا زمانی که راهبرد کلان مقابله با تحریم طراحی نشود انتظار اینکه ابزار مقابله با تحریم کارگر افتد بسیار بعید است.

د. اصلاحات اقتصاد داخلی: به‌رغم اهمیت و فوریت اصلاحات موردنیاز اقتصاد ایران، این رویکرد نیز پاسخ دقیق به پدیده تحریم نیست. این رویکرد اولاً پاسخ دقیقی به تنش‌های ارزی و شوک‌های تورمی ناشی از آن (که سیاست‌گذاری اقتصادی ایران را با چالش روبرو کرده) نیست ثانیاً نمی‌تواند منابع موردنیاز برای سرمایه‌گذاری فراهم آورد؛ در صورت اصل قرار گرفتن رویکرد اصلاحات اقتصاد داخلی، توان سیاست‌گذاری اقتصادی کشور به داخل مرزهای رسمی کشور محصور شده و در نتیجه قوه ایران در خارج از مرزها تحلیل خواهد رفت؛ امری که دقیقاً هدف تحریم است.

مطابق با تبیین فوق، پاسخ دقیق به تحریم چیزی نیست جز جانمایی جدید و بازتعریف نقش ایران در عرصه بین‌الملل؛ توضیح اینکه اقتصاد ایران تا قبل از تجربه تحریم فراگیر سال ۲۰۱۲ که به‌صورت تحریم تدریجی صادرات نفت و تحریم نظام بانکی نمود پیدا کرد به‌صورت تاریخی جایگاه خاصی را در عرصه بین‌الملل برای خود تعریف نموده بود و به‌صورت مشخص می‌توان گفت که کلان‌معامله‌ای میان ایران و بلوک غرب ایجاد شده بود؛ کلان‌معامله اقتصاد ایران و بلوک غرب عبارت بوده است از صادرات نفت و تضمین امنیت عرضه نفت خلیج فارس و در ازاء آن دسترسی به ارز جهان‌روا و واردات لوازم توسعه؛ در آن معامله کلان یا

به عبارتی دیگر، در آن زیست نفتی، همه نیازهای فرامرزی ایران از طریق ارز جهان‌روای تولیدشده، ذیل یک پرونده و آن‌هم پرونده صادرات نفت و فرآورده حل و فصل می‌شد؛ نیازهایی اعم از تأمین کالاهای اساسی، کاهش یا رفع کامل ریسک سیاسی و مالی مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی، واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مرتبط با تولید، تأمین ارز خارجی جهت مدیریت بازار ارز داخلی و غیره. اما با تحریم ایران و از دست رفتن کلان معامله سابق ایران، لذا پاسخگویی به تحریم نیز باید در همان سطح و قدوقواره پیگیری شود. اینکه نیاز اقتصاد ایران در شرایط حاضر، تعریف نقشی جدید برای خود در عرصه بین‌الملل است؛ این تعریف نقش جدید را می‌توان «پاسخ دقیق به پدیده تحریم» یا همان «خنثی‌سازی تحریم» تلقی کرد. تعریف نقش جدید برای ایران متوقف است بر فهمی دقیق از برهم‌کنش، تقابل و تعارض قدرت‌ها در عرصه جغرافیای سیاسی و اقتصادی است؛ تا زمانی که تصویر و ادراکی دقیق از مختصات کنش قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای در پهنه جغرافیا ایجاد نشده باشد نمی‌توان تعیین کرد که ایران قرار است چه نقش جدیدی برای خود در عرصه بین‌الملل تعریف کند. در بخش آتی، فرا تحلیلی از تقابل و تعارض قدرت‌ها ارائه شده و بیان می‌شود این تقابل و تعارض‌ها، چه دلالت‌هایی برای اقتصاد ایران دارد.

۴. فرا تحلیل تقابل و تعارض قدرت‌ها و دلالت‌های آن برای ایران

برای درک محیط پیرامونی ایران و انتخاب بهترین و کم‌هزینه‌ترین راهبرد مواجهه با چالش‌های جهانی و منطقه‌ای، ضروری است پیش از طراحی هر راهبردی جهت تدوین نقشه عمل جمهوری اسلامی ایران، مختصات برخورد و رقابت قدرت‌ها با

یکدیگر در هر سطحی از منطقه و فرا منطقه موردبررسی و کنکاش قرار گرفته^۱ و سپس دلالت‌های این رقابت‌های برای ایران احصا شود.

۱-۴. تقابل و تعارض قدرت‌ها در عرصه‌های جغرافیای سیاسی و اقتصادی

چین از سال ۲۰۱۳ ابر پروژه راه ابریشم جدید خود را کلید زد. این برنامه تنها به امور زیرساختی منحصر نمی‌شود و بسته کاملی از حوزه‌ها اعم از فناوری و نظامی را نیز شامل می‌شود. چین بنا دارد از طریق این راهبرد، خود را به سطح برتری اقتصادی-نظامی در عرصه جهانی برساند و مشخصاً این راهبرد چین دلالت‌های مهمی برای آمریکا و کشورهای هم‌پیمان این کشور و به‌طور خاص هند در منطقه شرق آسیا دارد (چگنی‌زاده و رضوی، ۱۴۰۱)؛ به‌طور مشخص آمریکا نیز در این میان نمی‌تواند قدرت‌یابی چین در عرصه بین‌المللی را بپذیرد و باید از ظهور قدرت آینده جهان جلوگیری کند؛ فلذا در دو زمینه سخت و نرم دست به طراحی نظامات جدید زده است و مشخصاً کریدورهایی تحت ائتلاف به شرح زیر ایجاد کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ بی‌شک بررسی ابعاد تقابل قدرت‌ها در عرصه جهانی نیاز به پژوهشی مستوفا و مجزا دارد. در این محور صرفاً به مباحثی اشاره می‌شود که واجد دلالت صریح یا ضمنی برای موضوع پژوهش حاضر باشد.

شکل ۱. کریدورهای تحت ائتلاف آمریکا به منظور مهار چین



توضیح شکل:

- رنگ‌های آبی عبارت‌اند از خطوط مهار چین؛ خط اول مهار، جزایر پیرامون چین از جمله تایوان، جزایر پاراسل و شمال فیلیپین را شامل می‌شود؛ این خط عمدتاً امنیتی و نظامی است. دومین خط نیز با همان کارکرد خط اول تشکیل شده است؛ این خط و خط اول توسط متحدین آمریکا مانند ژاپن و کره جنوبی تقویت می‌شود.
- خط سبز، خط سوم تعریف شده توسط آمریکا است که شامل جزایر کوچک اقیانوسیه تا کارائیب می‌باشد و تحت مراقبت‌های اقتصادی و امنیتی نظامی آمریکا قرار می‌گیرند.
- ناحیه مشخص شده با رنگ قرمز که شامل اقیانوسیه، هند و بخش‌هایی از غرب آسیا می‌شود کریدور هندوآبراهیمی است؛ این کریدور از اندونزی آغاز شده و با اتصال به هند و کشورهای عضو پیمان ابراهیم (یا کواد ۲) و همچنین مصر، سودان و اتیوپی (حاشیه دریای سرخ و کانال سوئز) شکل گرفته است.
- ناحیه مشخص شده در بخش عمده اوراسیا (به رنگ سیاه) نیز به وسیله گسترش ناتو به شرق توسط ترکیه تحت پروژه‌های مختلفی نظیر جاده لاجورد و اتحاد کشورهای ترک‌زبان در حال توسعه است.

منبع: یافته‌های پژوهش

درزمینه نرم نیز آمریکا اقدامات گسترده‌ای را برای تنظیم استانداردهای جدید حکمرانی اقتصادی جهانی انجام داده است که از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی نظیر شبکه نقاط آبی^۱، هاب زیرساخت جهانی^۲، ابتکار ساخت جهانی بهتر^۳ و برنامه بازاتصال کشورهای آسیا^۴ اشاره نمود. (رئیس‌نژاد، ۱۴۰۱، صص. ۹۳-۹۷، ۱۲۸-۱۳۴، ۱۶۳-۱۸۵)

بریتانیا نیز به صورت مشخص پس از برگزیت و روی کار آمدن جانسون به دنبال تمرکز مجدد بر مناطق سنتی امپراطوری بریتانیا است؛ در همین راستا با اعلام سیاست‌هایی نظیر چرخش بریتانیایی^۵ و بریتانیای جهانی^۶ در صدد بازتعریف نقش خود در عرصه بین‌المللی علی‌الخصوص در مسیرهای تجارتي جدید است. هند نیز سیاست سابقاً اقتصادی «نگاه به شرق» را به سیاست «کنش شرق» تغییر داده است.^۷ در رویکرد جدید مؤلفه‌های امنیتی علیه چین نیز در دستور کار هند قرار گرفته است. (Harper, 2020) همچنین این کشور سیاست‌های نگاه به غرب و پیوستگی غرب را نیز پیگیری می‌کند که در ذیل آن به دنبال توسعه روابط با اوراسیا و اروپاست.

روسیه یکی دیگر از کشورهایی است که کنشگری قابل توجهی در تجارت

1 Blue dot network

2 Global infrastructure hub

3 Build back Better the World

4 Reconnecting asia

5 A Very British Tilt

6 Global Britain: delivering on our international ambition, Foreign & Commonwealth Office and Foreign, Commonwealth & Development Office United Kingdom, 2018

7 india east act policy

کامودیتی‌ها و کالاهای اساسی دارد؛ صادرات قابل‌توجه انرژی به اروپا و چین و همچنین تجارت قابل‌توجه غلات، این کشور را طی سالیان اخیر به‌عنوان اقتصاد دارای وضعیت شبه‌انحصاری در بازار کامودیتی‌ها مطرح کرده است؛ هدف اصلی تقابل‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک آمریکا با روسیه، از بین بردن وضعیت شبه‌انحصاری مذکور است. آمریکا در تقابل ژئوپلیتیک با روسیه چند هدف عمده را دنبال می‌کند: الف. چرخش وابستگی راهبردی اتحادیه اروپا از روسیه به سمت آمریکا؛ ب. ایجاد تنش امنیتی و از رونق انداختن مسیر شمالی کمربند و جاده چین (مسیری که تا پیش از بحران، محل عبور حدود میلیون‌ها تن کالا از چین به اروپا و بالعکس بود)؛ ج. کاهش قابل‌توجه درآمدهای ارزی روسیه از محل تجارت کالاهای اساسی. در نقطه مقابل، روسیه نیز از طریق سازوکارهای نظیر الزام به خرید انرژی از روسیه به روبل و همچنین وضع محدودیت‌هایی در موضوع نحوه صادرات، در صدد حفظ وضعیت شبه‌انحصاری خود در حوزه کامودیتی‌هاست. (صالحیان و همکاران، ۱۴۰۰، اوسمولوکوا، ۲۰۲۲)

۲-۴. دلالت‌های مستخرج از فراتحلیل تقابل و تعارض قدرت‌ها برای ایران

بر اساس توضیحات فوق به نظر می‌رسد که تعارضات امروزی نظام بین‌الملل و تغییرات در نظم کنونی جهانی، افزون بر رقابت‌های سیاسی و منازعات نظامی و امنیتی، به مدل جدیدی از قدرت‌یابی اقتصادی نیز دامن زده است. زنجیره‌های اقتصادی جهانی تشکیل شده در آسیا، اروپا و آمریکای شمالی به مرزهای اشباع درونی خود نزدیک شده و دیگر نمی‌توانند روندهای توسعه‌ای خود را بدون تعارض با یکدیگر طی نمایند. این موضوع دلالت‌هایی نیز برای اقتصاد ایران خواهد داشت که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

دلالت راهبردی اول: در شرایط حاضر، نوع تقابل و تعامل قدرت‌های جهانی بیش‌ازپیش ژئوپلیتیکی شده است؛ جهانی چندجانبه‌گرایانه که هر کشوری برای بقا و توسعه خود باید به دنبال ایجاد نوعی موازنه باشد؛ اما هر قدرت منطقه‌ای ناچار به انتخاب است تا نقش جدید برای خود در نظم آینده جهان تعریف کند؛ نظم جدید ابعاد پیچیده‌ای به خود می‌گیرد و حتی استانداردهای تبادلات اقتصادی در نظم جدید متفاوت خواهد بود؛ از این‌رو کشورها در راستای ایفای نقش متناسب با نظم پیش‌رو باید سازوکارهای اجرایی خود را در انطباق با پرونده‌های توازن‌بخش جدید بازآرایی و بهینه‌سازی کنند. **ایران اسلامی-تمدنی نیز از این قاعده مهم مستثنا نیست.**

دلالت راهبردی دوم: به دلیل جانمایی جغرافیایی ایران در منطقه‌ای مهم و محوری (جغرافیایی که محل تنش و نزاع کنشگران بین‌المللی است) و همچنین به دلیل نقش‌آفرینی ایران در صادرات مجموعه‌ای از کالاهای راهبردی نظیر نفت، گاز، فرآورده، محصولات پتروشیمی، فلزات معدنی و ... تحت تأثیر قرار گرفتن کشورمان از ناحیه تنش قدرت‌ها امری کاملاً محتمل و قابل پیش‌بینی در بازه زمانی میان‌مدت و چه‌بسا بلندمدت است؛ چه اینکه در ادوار مختلف تاریخی، اقتصاد ایران از ناحیه نزاع میان قطب‌های قدرت تحت‌الشعاع قرار گرفته است؛ به‌طور مشخص، اینکه در حال حاضر ذینفع صادرات نفت، گاز و فرآورده ایران کدام کشور است و همچنین، اینکه موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی ایران به کدام کنشگر فرا منطقه‌ای نفع خواهد رساند پارامترهایی مهم و تعیین‌کننده در موضوع تداوم تحریم یا رفع آن‌ها هستند؛ با توجه به استغنای خریداران سابق (هند، کره جنوبی، ژاپن و ...) نسبت به نفت ایران و همچنین امکان بهره‌مندی کشورهایی نظیر چین، روسیه و آسیای میانه از

موقعیت جغرافیای اقتصادی و ترانزیتی ایران، رفع زیربنایی تحریم‌ها و انتفاع واقعی اقتصاد ایران از آن محل، بسیار بعید و دور از دسترس به نظر می‌رسد.

دلالت راهبردی سوم: در پرونده تقابل آمریکا و چین به نظر می‌رسد که آمریکا به دنبال تخریب یا کنترل مسیرهای اصلی ابتکار کمربند و جاده چین است؛ با این تفسیر تحریم ایران بیش از آنکه به روابط ایران و آمریکا و نوع نظام سیاسی کشور مرتبط باشد (که البته قابل چشم‌پوشی نیست) یک امر ژئوپلیتیک-ژئواکونومیک بوده و باید در کنار پرونده‌هایی نظیر ظهور طالبان در افغانستان، بی‌ثباتی سیاسی عراق، تنش‌های حاکمیتی در پاکستان، ناامنی در سوریه و فروپاشی دولت در لبنان مورد تحلیل قرار گیرد.

دلالت راهبردی چهارم: رویدادهای معرفی شده در بخش چهارم گزارش، زمینه ایجاد چند تغییر عمده در مسیرهای کریدوری را ایجاد کرده‌اند که به نظر می‌رسد سرجمع این تغییرات می‌تواند **دلالت‌های مهمی برای اقتصاد ایران** داشته باشد؛ **اولاً** مسیر میانی زمینی ابتکار کمربند و جاده چین ارزندگی بیشتری پیدا کرده است؛ **ثانیاً** کاهش صادرات انرژی روسیه به مقصد اروپا باعث خواهد شد تجارت انرژی این کشور با کشورهای جنوبی روسیه اهمیت بیشتری پیدا کند و ایران به‌عنوان جغرافیای مناسب جهت دسترسی روسیه به آب‌های گرم، ارزش راهبردی بالایی پیدا کرده است؛ **ثالثاً** مازاد تجاری غله روسیه و کشورهای آسیای میانه، قابلیت ترانزیت و باز فرآوری از مسیر جغرافیای ایران را خواهد داشت. از طرف دیگر کاملاً بدیهی است که ایالات متحده در حال نظاره نظم جدید در حال شکل‌گیری است و از تمامی ابزارهای در اختیار خود برای مقابله با تفوق نظم غیر آمریکایی استفاده خواهد کرد. مهم‌ترین ابزار آمریکا در مقابل ایران تحریم است و این ابزار اخیراً به‌صورت گسترده علیه

اقتصاد روسیه نیز به کار گرفته شده است. بر اساس توضیحات فوق، بسیار بعید است آمریکا در پرونده‌هایی نظیر ایران و روسیه، تحریم را از جعبه‌ابزار خود خارج کند.

۵. ابتکار راهبردی ایران: مؤلفه‌ها و محورهای جانمایی جدید و بازتعریف نقش در اقتصاد جهان

همان‌طور که گفته شد تحریم ایران در واقع یک کنش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی از سوی ایالات متحده آمریکا بوده و تا زمانی که توجیحات چنین سیاستی برای آمریکا برقرار شد سیاست آن کشور در تحریم ایران بدون تغییر باقی خواهد ماند؛ اگر تحریم را تغییر در نقشه تجارت ایران و جهان و امری مؤخر بر به‌هم‌خوردن معاملات کلان میان حوزه‌های جغرافیای سیاسی تعبیر کنیم آنگاه خنثی‌سازی تحریم به معنای ایجاد تغییرات نهادی و بنیادین در معاملات کلان کشور است که به اقتضای آن باید مهندسی نویی از ترتیبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در دستور دستگاه حکمرانی کشور قرار گیرد؛ امری که در عبارت «جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل» متجلی است. ابتکار ایران در این زمینه باعث خواهد شد نه تنها نقش تمدنی ایران احیا شود بلکه ریل‌گذاری پیشرفت کشور نیز صورت گیرد.

در راستای پیشبرد راهبرد جانمایی جدید ضروری است دستگاه سیاست‌گذاری کشور با احصاء نیازهای فرامرزی و طی یک تدبیر چندبعدی، اقدام به حل و فصل نیازهای فرامرزی خود ذیل پرونده‌های متعدد کند؛ پرونده‌هایی که هر یک بر پهنه‌ای خاص از جغرافیا و در نسبت با زنجیره‌ای از مناطق پیرامونی^۱ معنا و مفهوم پیدا می‌کنند؛ بدیهی است که در این راهبرد جدید نمی‌توان انتظار داشت که نیازهای

۱ سیاست خنثی‌سازی تحریم‌ها، چارچوبی فراتر از سیاست همسایگی را می‌طلبد چراکه پیگیری صرف سیاست همسایگی و عدم توجه به فرامنطقه باعث می‌شود مختصات زنجیره‌های ارزش و تأمین فرامنطقه و به تبع، نقشه ارزی، امنیتی و تجاری برآمده از آن، از نظر دور بماند.

فرامرزی ایران، همگی ذیل یک پرونده منحصر به فرد رفع شوند بلکه در این راهبرد، برای نیازهای فرامرزی کشور اعم از تأمین و واردات کالاهای اساسی خوراکی، واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مرتبط با تولید، دسترسی به نقاط تقاطع ارزی و مکانیسم‌های تسویه تجاری و ... باید پرونده‌ها و پروژه‌های متعدد طراحی شود که البته چنین پرونده‌هایی باید چند ویژگی اساسی داشته باشند:

- جایگیری پروژه‌ها و پرونده‌ها در پهنه‌های جغرافیایی به هم پیوسته و در نسبت با زنجیره‌های ارزش منطقه و فرامنطقه؛ نه صرفاً پرونده‌هایی که در روابط بین دو کشوری تعریف می‌شوند، طبعاً چنین گزاره‌ای نفی مسیر گذشته است؛ مسیری که صرفاً به دنبال پیدا کردن مفرهایی مقطعی برای فروش بیشتر نفت بوده است.
- طراحی نگاهت نهادی داخلی منعطف و دارای قابلیت تصمیم‌گیری و اجرا در نسبت با پرونده‌های برون‌مرزی و متناسب با استانداردهای حکمرانی شایسته در ژئوپلیتیک جدید در حال شکل‌گیری؛
- همسازی و سازگاری استراتژی توسعه صنعتی، برنامه توسعه خطوط انرژی و مسیرهای لجستیکی و در نهایت برنامه آمایش سرزمین کشور با پروژه‌های راهبردی تعریف‌شده؛ توضیح اینکه بر اساس نگاه مختار این پژوهش، استراتژی توسعه صنعتی، توسعه خطوط انرژی و مسیرهای لجستیکی و برنامه آمایش سرزمین کشور باید با نگاه به جایگاه بین‌المللی کشور تعریف شوند نه اینکه در تدوین برنامه‌های فوق، صرفاً پهنه جغرافیایی خود کشور و ظرفیت استان‌های کشور (با مرزبندی‌های ناکارآمد فعلی) مدنظر قرار گیرد.
- سازگار بودن پروژه‌های راهبردی برون‌مرزی با یکدیگر و هم‌بست حوزه‌های قدرت؛ سازگاری به این معنا که هر یک از پروژه‌های برون‌مرزی تعریف شده

اولاً باید بتواند یک یا چند نیاز برون‌مرزی کشور را مرتفع کند ثانیاً پیاده‌سازی آن، چالش و مخاطره‌ای برای اجرای سایر پروژه‌های برون‌مرزی ایجاد نکند؛ به بیان دقیق‌تر، مجموعه پروژه‌های تعریف‌شده باید در یک سازگاری و هارمونی از بیرون به داخل (کل به جزء یا از محیط بین‌المللی ایران به داخل کشور)، مجموعه‌ای از ابزارهای توازن‌بخش را در نسبت با کنشگران بین‌المللی در اختیار نهاد قدرت در کشور قرار دهد.

- ایجاد هارمونی میان استفاده از منابع داخلی پیشرفت و منابع خارجی: در منطق کلان‌معاملات، این‌گونه که نیست که صرفاً منابع داخلی یا صرفاً منابع خارجی مورد استفاده قرار گیرند بلکه ترکیبی از هر دو مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۶. جهت‌گیری راهبردی و کلان‌پروژه‌های عملیاتی ذیل برنامه جدید دیپلماسی اقتصادی کشور

بر پایه مطالب فوق، جهت‌گیری راهبردی و کلان‌پروژه‌های عملیاتی ذیل برنامه جدید دیپلماسی اقتصادی کشور به شرح زیر قابل‌بیان است:

۶-۱. تبیین جهت‌گیری راهبردی

در دوره جدید، جهت‌گیری راهبردی دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی ایران باید به سمت «جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل» باشد؛ این جهت‌گیری باید اهدافی به شرح زیر را دنبال کند: الف. خروج از محدوده تحریم‌پذیری و افزایش تاب‌آوری اقتصادی؛ ب. خروج از زیست نفتی و اقتضائات ذیل آن اعم از پایبندی انحصاری به استانداردهای آمریکایی و اروپایی، رفع تمام نیازهای فرامرزی ایران ذیل پرونده نفت، تمرکز تولید و توزیع منابع در پایتخت سیاسی و ...؛ ج. بازیگری مؤثر اقتصادی و امنیتی در کریدورهای منطقه و فرامنطقه

در راستای بازطراحی نقش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران و ذینفع‌سازی کنشگران بین‌المللی در توسعه ایران ذیل پرونده‌های متنوع؛ د. رفع محدودیت‌های ژئواکونومیک ایران از جمله چالش‌های دسترسی به ذخایر خارجی، کالاهای اساسی و فناوری؛ ه. تقسیم کار دستگامی به‌منظور ایفای نقش ایران در جریان‌های کلان تجاری جهان و منطقه و کریدورهای اقتصادی در لایه‌های زنجیره تأمین، زنجیره ارزش و جریان‌های مالی، تجاری و صنعتی

۲-۶. معرفی و تبیین کلان‌پروژه‌های عملیاتی

جهت‌گیری فوق از طریق پروژه‌های راهبردی زیر پیگیری می‌شود:

۱. بازیگری ایران در نقشه زنجیره تأمین کالاهای اساسی و زنجیره ارزش کالاهای راهبردی به شرح زیر:

- ایجاد ترتیبات لجستیکی و نقاط تسویه تجاری در حوزه گندم، جو و دانه‌های روغنی از مبدأ اوراسیا به مقصد مناطق مصرف عمده اقلام فوق‌الذکر
- پذیرش نقش در زنجیره ارزش فلزات اساسی (فولاد، مس، آلومینیوم و مزیت‌های معدنی کشورهای هم‌جوار دارای منابع آبی) در طول مسیر یک جاده یک کمر بند^۱ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- پذیرش نقش در زنجیره ارزش یک کمر بند یک راه در قالب همکاری سه‌جانبه چین-پاکستان-ایران از طریق تکمیل خط لوله گوره - جاسک به سمت مرز پاکستان و پیوستن به کریدور سیپک^۱ در حوزه انرژی و همچنین تکمیل خط لوله گاز تا پاکستان

^۱ CPEC | China-Pakistan Economic Corridor

- توسعه شبکه همبست آب، گاز، برق و تجارت ایران با کشورهای منطقه با تأکید بر ایجاد شبکه سنکرون برق منطقه و توسعه قراردادهای خرید و فروش گاز

- توسعه کریدور شمال - جنوب هند - اروپا در زمینه کالاهای دارای مزیت این مناطق

۲. طراحی زنجیره توافقات بین‌المللی در نقاط رقیب با مسیرهای تجاری پیمان ابراهیم، کواد ۲ و ائتلاف‌های آمریکابنیان به منظور اعمال توازن اقتصادی

۳. توسعه فرامرزی زیرساخت‌های ریالی به منظور ایجاد پیوند ارزی با یوآن، روبل و سایر ارزهای خارجی از طریق استقرار نهادهای مالی و بانکی ایران در نقاط تسویه فوق

۴. فعال‌سازی ظرفیت معطل تولیدی داخل کشور به وسیله گسترش زنجیره ارزش این محصولات در کشورهای هدف با تأکید بر صنایع فرآوری مواد غذایی و غلات

۵. تعدیل نوع نگاه سیاست خارجی ایران از سیاست‌های برّی به سیاست‌های بحری

۶. نقش‌آفرینی ایران به عنوان پیمانکار توسعه منطقه ذیل پیمان‌های راهبردی چندجانبه (به‌طور مثال همکاری چین و ایران در پرونده بازسازی زیرساخت‌های

افغانستان، سوریه و عراق) به منظور ایجاد درهم‌تنیدگی اقتصادی با این کشورها و گسترش حلقه امن اقتصادی کشور

۷. تعیین نقش بین‌المللی برای پهنه‌های جغرافیایی - اقتصادی کشور (به‌طور خاص بنادر، سواحل و پس‌کرانه‌ها) در نسبت با کریدورهای قابل شکل‌گیری در ایران،

تغییر نهادی مطابق آن و ایجاد مشارکت‌های چنداستانی در این حوزه

۸. بازطراحی نگاهت نهادی مرتبط با راهبرد «جانمایی جدید» ذیل نهاد راهبر توسعه.

نتیجه‌گیری

تحریم به‌عنوان یک ابزار شناخته شده بین‌المللی از دوره پس از جنگ جهانی دوم در قالب ماده ۴۱ منشور ملل متحد به‌صورت رسمی وارد ادبیات نظام نوین بین‌المللی گردید و در دوره جدید نیز آمریکا تحریم را به‌عنوان یک ابزار کم‌هزینه اجبار و تحکم اقتصادی در جهت تحقق اهداف سیاست خارجی خود وضع و اعمال می‌کند. مطالعه رفتار تحریمی آمریکا بیانگر این واقعیت است که آمریکا این ابزار را تا زمانی که مناقشه سیاسی پابرجا باشد یا به‌عبارت‌دیگر، پدیده‌ای تحت عنوان کشور غیرهمسو و به‌اصطلاح متخاصم در مقابل این کشور وجود داشته باشد دنبال خواهد نمود. به‌علاوه، بررسی‌های این پژوهش نشان داد که ماندگاری تحریم، صرفاً ناشی از مناقشه میان ایران و آمریکا نیست بلکه باید جغرافیای ایران و کنشگری اقتصاد کشور در عرصه صادرات یکی از مهم‌ترین کامودیتی‌های جهان (نفت) را به‌عنوان مؤلفه‌هایی اساسی در ماندگاری تحریم در نظر بگیریم.

در این چارچوب نظری، تحریم نه به‌عنوان مناقشه‌ای کوتاه‌مدت و گذرا بین ایران و آمریکا بلکه به‌عنوان ابزاری در جهت تأثیرگذاری بر کلان‌روندهای جهانی و به‌طور خاص در نسبت با رقبای استراتژیک آمریکا تعریف می‌شود؛ براین اساس به نظر می‌رسد پاسخ درست و دقیق به مسئله تحریم و مواجهه اصولی با آن جز از طریق خروج از محدوده تحریم‌پذیری و تصدی نقشی جدید در عرصه بین‌المللی امکان‌پذیر نخواهد بود. در نتیجه، پاسخ ایران به پدیده تحریم نیز باید بر اساس یک چشم‌انداز کلان طراحی شود؛ چشم‌اندازی که در وهله اول، نقشه کلان روابط قدرت‌ها را رصد کرده و در گام دوم تعیین کند که ایران چگونه می‌تواند نقشی

جدید برای خود در عرصه بین‌الملل پیدا کند؛ نقشی که ماهیتاً متفاوت از نقش سابق ایران در عرصه جهانی (زیست نفتی) باشد و کشور تحریم‌گر نتواند با استفاده از ابزارهای تحکمی اقتصادی خود، نقش جدید ایران را مخدوش نماید. پژوهش حاضر پاسخ به پدیده تحریم را «جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل» می‌داند. پیشبرد برنامه «جانمایی جدید» نیازمند محمل برنامه‌ای میان‌مدت و بلندمدت است؛ اینک که نظام برنامه‌ریزی کشور مهبای تدوین و تصویب قانون برنامه هفتم توسعه شده ضروری است رد پای چنین دستور کاری در قانون برنامه هفتم گذاشته شود.



منابع

الف: فارسی

دهقان بنادکی، فاطمه. نصیری زاده، نوید (۱۳۹۸). چالش‌های فضای مجازی و راهکارهای سیره رضوی، همایش علمی فرهنگ رضوی و بانوان فرهیخته و نیکوکار- بزرگداشت بانو سستی فاطمه، یزد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.

احمدی، عبدالرضا، عبدالخانی، لنا (۱۴۰۰). «تأثیر اقتصاد سیاسی بر ثبات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر تحریم‌ها)» نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال پانزدهم، شماره ۵۳

امانی جونقانی، الهام، باستانی فر، ایمان، حیدری خوراسگانی، محمدرضا (۱۴۰۰)، «رتبه‌بندی راهکارهای جایگزین سوئیفت در محیط تحریم (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران)» راهبرد/اقتصادی، سال دهم، شماره ۳۷.

بیات، محسن (۱۳۹۶)؛ «تجربه تحریم؛ راهبردی برای شناخت آسیب‌پذیری‌ها و تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۴.

چگنی زاده، غلامعلی، رضوی، حسین (۱۴۰۱). «ابتکار کمربند-راه و آثار راهبردی آن بر مناسبات هند و چین (۲۰۲۲-۲۰۱۳)»، روابط خارجی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، صفحه ۱ الی ۳۲.

رزم آهنگ، مهدی، نیکونسبتی، علی (۱۴۰۰)، «تدبیر اقتصاد کشور در شرایط تحریم: ۱. ضرورت برنامه‌ریزی اقتصاد ملی با فرض ماندگاری تحریم‌ها»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، فروردین ۱۴۰۰، شماره مسلسل ۱۷۴۴۷

صالحیان، تاج‌الدین، پادروند، مهدی، اکبری، سمیرا (۱۴۰۰)، «سیاست انحصارطلبی انرژی روسیه و راهبرد ژئوانرژی اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی»، روابط خارجی، دوره ۱۳، شماره ۵۲، صفحه ۷۸۵-۸۲۰.
قربانی، وحید (۱۴۰۰)، «استراتژی امنیت انرژی معاصر چین در غرب آسیا»، روابط خارجی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صفحه ۶۲۷-۶۵۸.

طغیانی، مهدی، درخشان، مرتضی (۱۳۹۳)، «تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن»، راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۳.

علی‌نژاد، ایلناز (۱۴۰۱)، «سازوکارهای فقهی حقوقی مقابله با تحریم‌های اقتصادی»، مطالعات فقه اقتصادی، سال چهارم، پاییز ۱۴۰۱ شماره ۳.
گوهری مقدم، ابوذر، انصاری بارده، رضا (۱۴۰۰)، «تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه و بررسی نقش ایران»، روابط خارجی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، صفحه ۲۰۹-۲۳۱.

متی، رودی (۱۴۰۱)، «سیاست تجارت در ایران عصر صفوی»، ترجمه مانی صالحی علامه، نشر فرهنگ جاوید، تهران، ایران.

مسعودنیا، حسین، ابراهیم، علی، مردای، اسدالله (۱۳۹۳)، «تحریم اقتصادی؛ فرصت‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در تأمین منافع ملی»، راهبرد

اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۱.

یرگین، دانیل (۱۴۰۱)، نقشه جدید جهان، انرژی، تغییرات اقلیمی و تقابلی ملت‌ها،

ترجمه امیر میرحاج، نشر پارسه، تهران، ایران.

مارشال، تیم (۱۴۰۱)، در اسارت جغرافیا؛ ده نقشه که همه آموختنی‌ها را درباره

سیاست جهانی بیان می‌کند، ترجمه مرجان رضایی، نشر مرکز، تهران، ایران.

ب: انگلیسی

Cohen, R. S. (2018). The history and politics of defense reviews. *RAND Corporation* Santa Monica United States.

Deutch, John (2007), hearing before the committee on foreign affairs house of representatives one hundred tenth congress, foreign policy and national security implications of oil dependence, march 22, 2007.

Dubowitz, Mark, Marc Gerecht, Reuel, Ben Taleblu, Behnam (2019), What "Yes" With Iran Looks Like, The Foundation for Defense of Democracies, June 26, 2019.

Green, Will, Roth, Taylore (2021), ChinaIran Relations: A Limited Enduring Strategic Partnership, U.S.-China Economic and Security Review Commission.

Heath, Timothy, Gunness, Kristen & Tristan Finazzo (2022), The Return of Great Power War, Scenarios of Systemic Conflict Between the United States and China, *RAND corporation*.

Lantos, Tom (2007) Hearing Before The Committee On Foreign Affairs House Of Representatives One Hundred Tenth Congress, Foreign Policy And National Security Implications Of Oil Dependence, March 22, 2007.

Nanay, Julia (2006) hearings before the committee on foreign relations united states senate, iran's political/nuclear ambitions and u.s. policy options, may 17 and 18, 2006

O'Toole, Brian Patrick (2021), Rejoining the Iran nuclear deal: Not so easy, *Atlantic Council*, January 2021.

Osmolovska, Aliona (2022), The ruble gas gamble, *Atlantic council*, April 29, 2022.

Rennack, D. E. (2020). Iran: US economic sanctions and the authority to lift

restrictions, *Congressional Research Service*, R43311.

Schott, Jeffery (2006), *Economic Sanctions, Oil, and Iran*, Testimony before the Joint Economic Committee, United States Congress Hearing on "Energy and the Iranian Economy".

Schott, Jeffery (2012), *Economic Sanctions Against Iran: Is the Third Decade a Charm?*, *Peterson Institute for International Economics*.

Verleger, P. K. (2012). Using US strategic reserves to moderate potential oil price increases from sanctions on Iran. *Peterson Institute for International Economics*.

ج. منابع آنلاین

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۲۱ اسفند ۱۴۰۰) پیام به پنجاه و ششمین نشست اتحادیه انجمن‌های

اسلامی دانشجویان در اروپا. قبل دسترس در: <https://khl.ink/f/49778>

